



بررسی ارتباط بین ساختار راهبری شرکتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه شرکتها

دکتر محمدرضا مهربان پور^۱ ©

استادیار حسابداری دانشگاه تهران، ایران

زهرة نوری زاده^۲

کارشناس ارشد مالی - مهندسی مالی و مدیریت ریسک، موسسه آموزش عالی پرندک، ایران

(تاریخ دریافت: ۳۱ خرداد ۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳ دی ۱۳۹۵)

هدف از انجام این تحقیق بررسی ارتباط بین ساختار راهبری شرکتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه شرکتها است. این تحقیق به روش توصیفی-همبستگی انجام شده و از نوع تحقیقات کاربردی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ تشکیل می دهند و نمونه ای از ۱۱۴ شرکت که در تمام طول دوره تحقیق در بازار بورس فعال بوده اند، مورد مطالعه قرار گرفت. داده های تحقیق از صورت های مالی شرکت ها استخراج گردیده و با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک به روش داده های ترکیبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته های تحقیق نشان داد که تعداد اعضای هیات مدیره تاثیر معناداری بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ندارد. در حالی که هریک از شاخص های استقلال اعضای هیات مدیره، اندازه کمیته حسابرسی، عملکرد واحد حسابرسی داخلی و استقلال کمیته حسابرسی تاثیر معکوس بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه داشتند.

واژه های کلیدی: کنترل داخلی، هیات مدیره، راهبری شرکتی، گزارشگری متقلبانه.

¹ mehrabanpour@ut.ac.ir

² z_noori64@yahoo.com

مقدمه

جلوگیری، کشف و تجسس تقلب در صورت های مالی شرکت ها، امروز بیش از هر زمان دیگری بدل به دغدغه جدی حسابداران رسمی دنیا شده است. نگاهی گذرا به شکل گیری پرونده های قضایی مرتبط با فساد مالی نشان می دهد که افشای تقلب ها همواره پس از گذشت مدت قابل ملاحظه ای از تاریخ ارتکاب تقلب و اغلب از طریق گزارش های سازمان های اطلاعاتی و نظارتی، کارکنان و مدیران مطلع و رسانه ها صورت می گیرد و تنها درصد معدودی توسط حسابرسان مستقل و کارشناسان رسمی افشا شده است [۱۷]. از طرف دیگر، نتایج تحقیقات نشان می دهد که در شرکت هایی که سازوکارهای راهبری شرکتی مناسبی دارند، آثار مناسب آن دیده می شود، مثلا بازده سرمایه گذاری در آنها بیش تر است. سیستم راهبری شرکتی، رابطه بین شرکت و ذینفعان آن را تبیین می کند. راهبری شرکتی در سطح کلان اقتصادی باعث تخصیص بهینه منابع شده و در سطح خرد نیز تحقق اهداف شرکت را در پی دارد [۲]. در تحقیقات پیشین، آثار ساز و کارهای راهبری شرکتی بر بخش های مختلف شرکت مورد مطالعه واقع شده است. اما تاکنون مطالعه ای در خصوص تاثیر مثبت این ساز و کارها بر کاهش احتمال گزارشگری متقلبانه منتشر نشده است. لذا در این تحقیق برآنیم تا نقش ساختار راهبری شرکتی بر جلوگیری از احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دهیم.

بیان مساله تحقیق

طبق بند ۴ استاندارد حسابرسی شماره ۴۵۰ ایران، تحریف شامل هرگونه مغایرت بین مبلغ، نحوه طبقه بندی، ارائه یا افشای یک قلم گزارش شده در صورتهای مالی و مبلغ، نحوه طبقه بندی، ارائه یا افشای آن قلم طبق الزامات افشاء استانداردهای حسابداری است. تحریفها ممکن است ناشی از اشتباه یا تقلب باشد. طبق بند ۳ و ۴ این استاندارد؛ اشتباه عبارتست از هرگونه تحریف سهوی در صورتهای مالی (شامل حذف یک مبلغ یا یک مورد افشاء) و تقلب عبارتست از هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران یا اشخاص ثالث برای برخورداری از یک مزیت ناروا یا غیر قانونی [۱۱]. در این تحقیق این دو مورد تفکیک نشده اند و به تحریف صورتهای مالی از دیدگاه تقلب نگاه شده است.

با توجه به افزایش تعداد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و روند خصوصی سازی و رشد سرمایه و ضرورت انتشار عمومی صورتهای مالی؛ پیش بینی احتمال ارتکاب تقلب در تهیه صورتهای مالی و در اطلاعات مالی انتشار یافته با توجه به محدودیت های حسابرسی؛ یک ضرورت است. گزارشگری مالی قابل اتکا همواره خواسته فعالان بورس اوراق بهادار است. از طرف دیگر، در سال های اخیر، توجه زیادی به ارتقای ساختارهای راهبری شرکتی در سطح جهان و نیز در کشور ما جلب شده است. اینکه آیا این ساختارها کارا بوده و آثار مثبتی برای سهامداران شرکت ها و سایر ذینفعان دارند، موضوع مهمی است که جای مطالعه دارد. لذا با توجه به مطالب فوق مساله اصلی تحقیق حاضر، بررسی ارتباط بین ساختار راهبری شرکتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در

بورس اوراق بهادار تهران می باشد. موضوعی که برای نخستین بار در ادبیات پژوهشی این حوزه مورد بررسی واقع شده است.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

در سالهای اخیر تقلب در شرکتها منجر به ایجاد هزینههای گزاف برای شرکتها و همچنین برای کل جامعه شده است. هزینه هائی که مادی و بعضا معنوی هستند و چه بسا در کوتاه مدت غیرقابل جبران باشند. این تقلبها، به ویژه هنگامی که مدیران و کارکنان ارشد شرکتها مرتکب آن می شوند، معمولاً زمانی از پرده بیرون می افتد که شرکتها به طور غیرمنتظره دچار مشکلات حاد می شوند. در این مواقع است که این سؤال مطرح می شود که چرا ساختار راهبری شرکتی و کنترل های داخلی شرکت در پیشگیری و کشف تقلب ناکارآمد بوده اند. با توجه به این مطالب، و نظر به اینکه تاکنون در ایران پژوهشی بطور مستقیم در خصوص ارتباط بین ساختارهای راهبری شرکتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار نداده است، لذا ضرورت و اهمیت انجام چنین تحقیق دو چندان احساس می شود.

چارچوب نظری تحقیق

اولین و قدیمی ترین مفهوم راهبری شرکتی، از واژه لاتین Gubnare به معنای هدایت کردن گرفته شده است و دلالت بر این دارد که اولین تعریف از راهبری شرکتی بیشتر بر راهبری تمرکز دارد تا کنترل.

در دیدگاه های محدود، راهبری شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می شود. این الگویی قدیمی است که در قالب نظریه نمایندگی بیان می شود. در آن سوی طیف، راهبری شرکتی را می توان به صورت شبکه ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و ... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذینفعان دیده می شود [۳].

تعاریف راهبری شرکتی

طبق تعریف سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه^۱، راهبری شرکتی مجموعه روابطی است که بین مدیریت، هیأت مدیره، سهامداران و دیگر اشخاص ذینفع یک شرکت وجود دارد. همچنین راهبری شرکتی، تعیین کننده ساختاری است که توسط آن، اهداف شرکت تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد مشخص می شود.

راهبری شرکتی عبارت است از سیستمی که به وسیله آن شرکتها هدایت و کنترل می شوند. اعضای هیأت مدیره در قبال راهبری شرکت مسئول هستند. نقش سهامداران در راهبری، تعیین و منصوب نمودن مدیران و بازرسان در شرکت در جهت اطمینان خاطر دادن به آنها در مورد برقرار بودن ساختار راهبری مطلوب در شرکت است [۱۶]. راهبری شرکتی یک مفهوم چند رشته ای (حوزه ای) است

¹ Organisation for Economic Co-operation and Development

و هدف نهایی آن دستیابی به چهار مورد زیر در شرکت است: پاسخگوئی، شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذینفعان با مرور تعاریف یاد شده و تحلیل آنها می‌توان تعریف جامع و کامل زیر را ارائه کرد:

"راهبری شرکتی قوانین، مقررات، ساختارها، فرآیندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگوئی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود" [۴].

مروری بر ادبیات حاکمیت شرکتی چند ویژگی را نشان می‌دهد: تمرکز مالکیت، اتکای بر بدهی، استقلال هیأت‌مدیره، مالکیت نهادی، استقلال و صلاحیت کمیته حسابرسی، مالکیت مدیریت و مالکیت اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره، نفوذ مدیرعامل، اندازه هیأت‌مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیأت‌مدیره [۱۴].

نظام راهبری شرکتی در بورس اوراق بهادار تهران

نگرش سازمان بورس و اوراق بهادار تهران به نظام راهبری شرکتی، یک اقدام پیشگیرانه برای حمایت از حقوق سهامداران به خصوص سهامداران خرد است. پس از تلاش‌های صورت گرفته در تهیه پیش‌نویس نظام راهبری شرکتی، سازمان بورس و اوراق بهادار تهران برخی از ساز و کارهای آن را مصوب و ابلاغ نموده است که توسط شرکت‌های بورسی لازم الاجرا است. تشکیل کمیته حسابرسی، ایجاد حسابرسی داخلی، حسابرسی مستقل توسط موسسات مورد اعتماد سازمان بورس و اوراق بهادار تهران از آن جمله است.

مبانی نظری گزارشگری مالی متقالبانه

اهمیت تقلب در حسابداری

در صورت‌های مالی همراه کننده ای که مدیران برخی شرکت‌ها در این سال‌ها ارائه داده‌اند، با تقلبات مالی پنهان شده در آنها، چهره واقعیت در افشای وضعیت شرکت‌ها برای استفاده کنندگان برون سازمانی مخدوش شده و اطلاعات مذکور موجب وارد آمدن آسیب به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان شده‌اند. موضوعی که هشدار جدی از آینده تامین سرمایه و اعتبار برای شرکت‌های سهامی عام است [۵].

جلوگیری، کشف و تجسس تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌ها، امروز بیش از هر زمان دیگری بدل به دغدغه جدی حسابداران رسمی دنیا شده است [۱۷]. روشن‌ترین نتیجه‌گیری این است که روش‌های اجرا شده حسابرسان و اهداف گزارش‌های آنان (هدف بررسی و تحلیل و اثبات مانده‌های صورت‌های مالی و استخراج انحرافات با اهمیت) با کشف تقلب در بسیاری از موارد تطابقی ندارد [۱۲]. برای مبارزه با فساد مالی و تقلب ضمن آشنایی کامل با اصول و استانداردهای حسابرسی، ضرورت کسب شناخت از تقلب و فرآیندهای آن و چگونگی کشف و گزارشگری آن احساس می‌شود.

رهنمودها و استانداردهای حرفه ای تقلب

براساس بند ۱۱ استاندارد ۲۴۰ حسابرسی ایران، تقلب را می‌توان به عنوان هر گونه اقدام عمدی یا

فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث برای برخورداری از یک مزیت ناروا یا غیر قانونی، تعریف نمود.

فشارهای ناشی از بودجه زمانی یکی از محدودیت های حسابرسی است. بعلاوه این تضاد ساختاری حسابرسی، که از حسابرسی خواسته شده عمل مدیریتی را بررسی کنند که آن مدیریت به طور غیرمستقیم، حسابرسی را دعوت به کار نموده است، مشکل دیگر می باشد. از این گذشته، با کشف تقلب، حسابرس با انواع فرآیندهای قانونی، محکمه ها و دادگاههای مستمر، متصدیان قانونی و... درگیر می شود و این مسئله موجب می گردد، کشف تقلب روزه روشنی را در معرض دید حسابرس قرار ندهد [۱۹].

در سال ۱۹۹۷ هیات تدوین استانداردهای حسابرسی در ایالات متحده آمریکا بیانیه استاندارد حسابرسی شماره ۹۹ با عنوان «رسیدگی به تقلب در صورت های مالی» را منتشر کرد. این استاندارد حسابرسی را ملزم به برآورد ریسک تقلب در هر حسابرسی کرده، آنها را ترغیب می کند در هر برآوردی که از امکان تقلب انجام می دهند، هم سیستم کنترل داخلی صاحبکار و هم نگرش مدیریت صاحبکار به کنترل ها را مد نظر قرار دهد. طبق این استاندارد، عوامل ریسک یا به عبارتی «پرچم های قرمز» مربوط به گزارشگری مالی فریبکارانه را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. ویژگی های مدیریت و تاثیری که وی بر محیط کنترلی دارد

۲. شرایط صنعت

۳. ویژگی های عملیاتی و ثبات مالی صاحبکار.

پیشینه تحقیق در داخل از کشور

وحیدی الیزه ای و حدادیان (۱۳۸۴) تفاوت برداشت حسابرسی داخلی و مستقل را از ۳۶ علامت خطر مطابق با استاندارد شماره ۱۹۹ (الکپا، ۲۰۰۳) در کشف گزارشگری مالی متقلبانه را مورد بررسی قرار دادند؛ یافته آنها بیانگر عدم وجود تفاوت عمده در برداشت این دو گروه حسابرس می باشد [۱۳]. شیخ (۱۳۸۴) به بررسی اهمیت شاخص های بالقوه تقلب مالی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی پرداخت. وی به وجود علایم خطری (شرایط و رویدادهایی) بیش از نقاط ضعف سیستم های حسابداری و کنترل های داخلی اشاره نموده است [۸].

سنجایی (۱۳۸۴) با پرسشنامه به شناسایی عوامل موثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورتهای مالی در ایران پرداخته است. نتایج این پرسشنامه ها با استفاده از روشهای مربوطه آماری مورد تحلیل قرار گرفته و عوامل مورد اجماع جامعه حسابرسیان مورد شناسایی واقع شده اند [۷].

فرقاندوست حقیقی و برواری (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان بررسی کاربرد روشهای تحلیلی در ارزیابی ریسک تقلب صورتهای مالی (تقلب مدیریت)، ملاک طبقه بندی ارتکاب به تقلب یا عدم تقلب را وجود اظهار نظر مردود یا عدم اظهار نظر دانسته و با استفاده از تعداد ۱۲ نمونه نهایی و در نظر گرفتن ۷ نسبت

¹ Standard No. 99

مالی به عنوان متغیرهای مستقل؛ دو متغیر نسبت بدهی ها به داراییها و نسبت رشد فروش را معنادار تشخیص داده اند [۱۰].

بادآور نهندی و احمدلو (۱۳۹۴) به بررسی ارتباط بین مکانیزم های راهبری شرکتی و اعتبار سودهای گزارش شده پرداختند. به طور کلی، نتایج مطالعه آنان حاکی از آن است که بین مکانیزم های راهبری شرکتی و سطح ارائه مجدد سودهای گزارش شده ارتباط وجود ندارد و نیز بین این مکانیزم ها و مدیریت فرصت طلبانه سود جز در مورد استقلال اعضای هیات مدیره ارتباطی وجود ندارد [۱].

حیدرپور (۱۳۹۴) به مطالعه تاثیر مدیریت سود بر رابطه راهبری شرکتی و کیفیت سود پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان می دهد که هرچقدر راهبری شرکتی در شرکت قوی تر باشد و از چارچوب راهبری به طور بیشتری پیروی شود، کیفیت سود گزارش شده بیشتر است و می تواند قابلیت اتکای بالاتری داشته باشد. همچنین رابطه معناداری بین مدیریت سود و راهبری شرکتی با کیفیت سود وجود دارد [۶].

عرب مازار (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان الماس تقلب و مسئولیت مدیران و حسابرسان در قبال پیشگیری از تقلب عنوان میکنند که مدیریت با تعیین اهداف و سیاست ها و درپیش گرفتن رویه های مناسب و انتصاب افراد لایق توان این را دارد که موثرترین رکن در تشخیص و پیشگیری و کشف تقلب باشد. حسابرسان نیز دارای نقش کنترلی می باشند. احتمال بروز تقلب هنگامی کاهش می یابد که همه عوامل موجود در سازمان (مثل مدیریت، حسابرسان داخلی و خارجی و کمیته حسابرسی و کارکنان) در مبارزه با این مورد ضد اخلاقی همسو شوند. مدیریت پس از حسابرسان مستقل در این مبارزه نقش و مهم و اساسی را ایفا می نمایند. آنچه در مبارزه با تقلب حائز اهمیت است مدیریت بهترین گزینه برای جلوگیری و پیشگیری از تقلب می باشد [۹].

پیشینه تحقیق در خارج از کشور

در تحقیق دالیوال و همکاران (۱۹۸۲)، سعی شده است مدلی برای پیش بینی تقلب تدوین شود. نتایج ناشی از تفکیک ۷۵ شرکت متقلب و ۷۵ شرکت غیر متقلب از طریق رگرسیون لججیت نشان می دهد که در شرکتهای غیر متقلب، ترکیب هیات مدیره غیرموظف از درصد بالاتری درمقایسه با شرکتهای متقلب برخوردار هستند [۱۸].

سومرز و سویینی (۱۹۹۸) رابطه بین دارندگان اطلاعات محرمانه و تقلب را بررسی نمودند. آنها با استفاده از مدل لججیت آبخاری در راستای کشف تقلب دریافتند که دارندگان اطلاعات محرمانه؛ سهام خوددر این قبیل شرکتهای را به مقدار زیادی کاهش داده بودند [۲۰]. ابوت و دیگران (۲۰۱۴) استقلال حسابرسی و فعالیت در کاهش احتمال تقلب را بررسی و اندازه گیری نمودند. با استفاده از تحلیل رگرسیون لججستیک آنها دریافتند که شرکتهای دارنده کمیته حسابرسی که ترکیبی از هیات مدیره

¹ Dalyval et al

² Summers & Sweeney

³ About et al

غیرموظف هستند و دارای جلساتی حداقل دو بار در سال هستند؛ تمایل کمتری به تصمیم گزارشگری متقلبانه یا گمراه کننده دارند [۱۵].

فرضیه‌های تحقیق

برای رسیدن به اهداف مورد نظر این تحقیق، پنج ساز و کار راهبری شرکتی به شرح زیر مورد مطالعه قرار گرفته است تا میزان تاثیرگذاری آنها بر کاهش احتمال گزارشگری متقلبانه آزمون شود. فرضیه اول: بین اندازه هیات مدیره و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در شرکتها رابطه منفی معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین استقلال هیات مدیره و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در شرکتها رابطه منفی معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین اندازه کمیته حسابرسی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در شرکتها رابطه منفی معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین استقلال کمیته حسابرسی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در شرکتها رابطه منفی معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین کارایی عملکرد واحد حسابرسی داخلی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در شرکتها رابطه منفی معناداری وجود دارد.

مدل تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های یادشده، از مدل رگرسیونی زیر استفاده شد:

$$FV_{i,t} = 0 + 1BODSIZE_{i,t} + 2BODIND_{i,t} + 3AC_SIZE_{i,t} + 4AC_IND_{i,t} + 5IA_EFF_{i,t} + 6SIZE_{i,t} + 7LEVi,t + i,t$$

تعریف متغیرها

متغیر وابسته:

FV: احتمال گزارشگری متقلبانه متغیری مصنوعی است، و در صورتی که احتمال گزارشگری مالی متقلبانه وجود داشته باشد، عدد یک در غیر اینصورت عدد صفر منظور می شود. برای تشخیص و طبقه بندی شرکتها به متقلب یا غیر متقلب در گزارشگری مالی، چارچوبی از معیارهای زیر به عنوان احتمال وجود گزارشگری مالی متقلبانه، در نظر گرفته شده است:

۱- اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی ۲- عدم سلامت مالی شرکت طبق شاخص ورشکستگی آلتمن ۳- وجود تعدیلات سنواتی با اهمیت و صورتهای مالی تجدید ارائه شده.

برای طبقه بندی شرکتهای نمونه به متقلب و غیر متقلب در تهیه صورتهای مالی، مینا این است که این معیارها طی حداقل سه سال متوالی طی دوره تحقیق (سال ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۴) برای شرکت متقلب، صادق بوده و وجود این سه شرط به عنوان شرایط طبقه بندی در گروه شرکتهای دارای احتمال تقلب می باشد.

متغیر های مستقل:

BODSIZE: اندازه هیات مدیره که از طریق تعداد اعضای هیات مدیره شرکت i طی دوره t محاسبه می شود.

BODIND: استقلال هیات مدیره که از طریق درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره شرکت i طی دوره t محاسبه می شود.

ACIND: استقلال کمیته حسابرسی که با درصد اعضای غیر موظف کمیته حسابرسی شرکت i طی دوره t محاسبه می شود.

ACSIZE: اندازه کمیته حسابرسی که از طریق تعداد اعضای کمیته حسابرسی شرکت i طی دوره t محاسبه می شود.

IA_EFF: کارایی عملکرد واحد حسابرسی داخلی متغیری است مصنوعی و در صورتی که عملکرد مدیر واحد حسابرسی داخلی توسط کمیته حسابرسی ارزیابی می گردد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر منظور می شود.

متغیر های کنترلی:

SIZE: اندازه شرکت i طی دوره t که بصورت لگاریتم جمع دارایی ها اندازه گیری می شود.

LEV: نسبت ارزش دفتری بدهی ها به جمع دارایی های شرکت i در پایان دوره t

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به دنبال بررسی ارتباط بین ساختار راهبری شرکتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه شرکت ها است. رابطه مورد آزمون در این تحقیق از نوع همبستگی و از نظر هدف کاربردی است، از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره به منظور تعیین میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته استفاده شد.

جامعه آماری و روش نمونه گیری مورد مطالعه

جامعه مطالعاتی تحقیق شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی هفت ساله، از سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ است که تمامی شرایط زیر را دارا باشند:

- شرکت قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
- پایان سال مالی شرکتها ۲۹ اسفند هر سال باشد.
- شرکت های مورد استفاده در طی دوره مورد بررسی از لیست بورس اوراق بهادار خارج نشده باشند.
- جزء شرکت های مالی و سرمایه گذاری نباشد.
- اطلاعات مالی مورد نیاز در دسترس باشد.

روش نمونه گیری تحقیق حذفی سیستماتیک با مدنظر قراردادن شرایط فوق می باشد. داده های مورد نیاز تحقیق با استفاده از روش تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره مورد تحلیل قرار گرفت.

برای محاسبه متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق از نرم افزار صفحه گسترده اکسل (Excel)، و برای تحلیل داده‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل‌های آماری از نرم افزار EViews ۶ استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول ۱ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
گزارشگری مالی متقلبانه	FV	۰.۱۶۲۹۰۷	۰.۰۰۰۰۰۰	۱.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۳۶۹۵۱۳
اندازه هیات مدیره	BODSIZE	۵.۵۶۳۹۱۰	۵.۰۰۰۰۰۰	۷.۰۰۰۰۰۰	۳.۰۰۰۰۰۰	۱.۳۴۰۵۳۷
استقلال هیات مدیره	BODIND	۰.۵۰۶۱۴۳	۰.۵۲۱۲۰۷	۰.۷۹۹۵۴۰	۰.۱۹۶۵۸۹	۰.۱۷۰۷۱۸
اندازه کمیته حسابرسی	ACQSIZE	۳.۴۲۶۰۶۵	۳.۰۰۰۰۰۰	۵.۰۰۰۰۰۰	۳.۰۰۰۰۰۰	۰.۸۱۹۴۱۵
استقلال کمیته	ACIND	۰.۵۴۹۶۸۶	۰.۳۳۳۳۳۳	۱.۰۰۰۰۰۰	۰.۳۳۳۳۰۰	۰.۲۶۷۶۲۴
عملکرد کمیته حسابرسی	IA_EFF	۰.۳۴۹۶۲۴	۰.۰۰۰۰۰۰	۱.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۴۷۷۱۵۰
اندازه شرکت	SIZE	۲۷.۴۷۹۷۸	۲۷.۳۵۴۳۱	۳۲.۲۷۰۰۷	۲۳.۸۴۶۷۳	۱.۳۸۶۶۵۷
اهرم مالی	LEV	۰.۷۸۰۳۱۲	۰.۷۸۷۷۵۵	۰.۹۴۰۹۹۱	۰.۴۴۱۶۹۴	۰.۲۰۳۶۸۶

باتوجه به اعداد ارائه شده در جدول فوق، مشاهده می‌شود که در ۱۶،۲۹ درصد از مشاهدات سال-شرکت، گزارشگری مالی متقلبانه صورت پذیرفته است. متوسط تعداد اعضای هیات مدیره شرکت‌ها برابر با ۵،۵ نفر و متوسط نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره با توجه به شاخص استقلال هیات مدیره برابر با ۵۰،۶۱ درصد کل اعضا بوده است. [همچنین متوسط اعضای کمیته حسابرسی شرکت‌ها برابر با ۳،۴۲۶ نفر بوده که به طور متوسط ۵۴،۹۶ درصد این اعضا را اعضای مستقل تشکیل داده اند.] همچنین نتایج نشان داده که به طور متوسط در ۳۴،۹۶ درصد از مشاهدات سال-شرکت، عملکرد مدیران واحد حسابرسی توسط کمیته حسابرسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که نشان از عملکرد نسبتاً مطلوب کمیته حسابرسی در این نسبت از مشاهدات دارد. اندازه شرکت‌ها به طور میانگین برابر با ۲۷،۴۷۹ و نسبت اهرم مالی آنها نیز برابر با ۰،۷۸۰ محاسبه شده است که نشان از نسبت ۷۸،۰۳ درصدی بدهی در ساختار دارایی‌های شرکت دارد.

مانایی متغیرهای تحقیق

جدول ۲. نتایج آزمون مانایی متغیرهای تحقیق

نتیجه آزمون	سطح معناداری (Sig)	آماره دیکی فولر	متغیر
مانا	۰.۰۰۰۰	۴۳۹.۲۳۹	گزارشگری مالی متقلبانه
مانا	۰.۰۰۰۰	۶۸۶.۱۵۳	اندازه هیات مدیره
مانا	۰.۰۰۰۰	۵۵۷.۸۴۹	استقلال هیات مدیره
مانا	۰.۰۰۰۰	۵۱۸.۴۷۸	اندازه کمیته حسابرسی
مانا	۰.۰۰۱۲	۲۹۸.۳۰۷	استقلال کمیته حسابرسی
مانا	۰.۰۰۰۰	۵۶۲.۰۶۷	عملکرد کمیته حسابرسی
مانا	۰.۰۰۰۰	۳۶۵.۳۷۳	اندازه شرکت
مانا	۰.۰۰۰۰	۶۳۶.۸۲۱	اهرم مالی

همانطور که جدول ۲ نشان می دهد، سطوح معناداری تمامی آزمون های مذکور از خطای نوع اول ۰/۰۵ کوچکتر هستند و در نتیجه فرضیه صفر آماری آزمون مبنی بر وجود ریشه واحد رد شده و می توان پذیرفت که سری های مورد مطالعه در این سطح خطا مانا هستند و بنابراین، رفتار مقادیر متغیرها، در طول زمان دستخوش تغییرات رونددار نخواهد شد.

به منظور توان پیش بینی مدل برای گزارشگری مالی متقلبانه شرکت ها، مقدار درصدی پیش بینی های صحیح مدل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. درصد پیش بینی های صحیح مدل

پیش بینی ناصحیح	پیش بینی صحیح	گروه پیش بینی
٪ ۸۲،۵۹	٪ ۱۷،۴۱	گزارش متقلبانه
٪ ۱۶،۰۷	٪ ۸۳،۹۳	گزارش غیرمتقلبانه
٪ ۲۶،۹۱	٪ ۷۳،۰۹	کل شرکت ها

مطابق با یافته های این جدول مشاهده می شود که مدل تحقیق توانسته، ۸۳،۹۳ درصد از گزارش های صحیح و غیر متقلبانه مالی را به درستی پیش بینی نماید، اما تنها ۱۷،۴۱ درصد از گزارشهای متقلبانه مالی توسط این مدل به درستی پیش بینی شده اند. نتایج این جدول نشان می دهد که مدل تحقیق

توانسته در ۷۳,۰۹ درصد از مشاهدات، تقلب و یا عدم تقلب گزارش مالی شرکت ها را به درستی پیش بینی نماید.

آزمون های تشخیصی خطای مدل

در راستای تعیین صحت مدل، مفروضات استقلال، همسانی واریانس و نرمال بودن جملات خطای مدل رگرسیونی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو به منظور بررسی استقلال جملات خطا از آزمون خود همبستگی LM، برای سنجش همسانی واریانس از آزمون خودهمبستگی مربعات خطا و برای آزمون نرمال بودن مقادیر خطا از آزمون جاکرک برا استفاده شده است. نتایج این بررسی ها در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. آزمون های تشخیصی خطای مدل

سطح معناداری	آماره آزمون	آزمون
۰,۰۹۸	۲,۷۳۲۴	خودهمبستگی
۰,۰۷۷	۳,۱۳۶۴	همسانی واریانس
۰,۵۶۵۱	۱,۱۴۱۴	نرمال بودن

باتوجه به سطوح معناداری بدست آمده برای آزمون های مذکور در جدول فوق که بزرگتر از خطای ۰,۰۵ بدست آمده اند، می توان نتیجه گرفت که مفروضات عدم خودهمبستگی، همسانی واریانس و نرمال بودن توزیع تجربی اجزای خطای مدل در سطح خطای ۰,۰۵ مورد تایید قرار گرفته است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه های تحقیق

پیش از تخمین مدل رگرسیونی تحقیق، از آزمون چاو به منظور تعیین معناداری اثرات مقطعی در مدل استفاده شد. سطح معناداری این آزمون که بزرگتر از خطای ۰/۰۵ بوده نشان از عدم معناداری اثرات مقطعی در مدل تحقیق داشت. از این رو مدل تحقیق به روش داده های تلفیقی مورد برآزش قرار گرفت که نتایج آن به شرح جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج تخمین مدل رگرسیون لجستیک

متغیر مستقل	ضریب	Z آماره	P-Value	VIF
اندازه هیات مدیره	۰,۰۷۱۰۱۰	۰,۹۶۸۹۳۰	۰,۴۱۰۲	۱,۰۴۰۴۰۱
استقلال هیات مدیره	-۰,۸۱۲۹۰۶	-۴,۸۷۱۷۸۴	۰,۰۰۰۱	۱,۰۰۴۸۱۷
اندازه کمیته حسابرسی	-۰,۱۵۳۶۵۷	-۲,۷۹۱۸۳۴	۰,۰۱۰۸	۱,۰۰۷۱۴۸
استقلال کمیته حسابرسی	-۰,۵۴۰۰۳۲	-۳,۴۷۹۰۰۴	۰,۰۰۰۸	۱,۰۲۱۸۷۳

متغیر مستقل	ضریب	Z آماره	P-Value	VIF
عملکرد کمیته حسابرسی	-۰.۳۴۵۲۳۹	-۳.۵۴۴۵۸۴	۰.۰۰۰۰۳	۱.۰۰۰۷۲۰۴
اندازه شرکت	۰.۰۴۸۷۷۷	۰.۷۱۱۱۹۹	۰.۴۷۷۰	۱.۰۰۰۵۲۱۴
اهرم مالی	۰.۵۸۳۲۰۰	۲.۰۷۷۰۴۸	۰.۰۲۱۴	۱.۰۰۲۷۳۰۳
مقدار ثابت	-۲.۹۵۵۰۰۲	-۱.۴۷۹۳۵۶	۰.۱۳۹۰	-
آماره چاو: ۱.۰۲۷۹		سطح معناداری چاو: ۰.۴۱۰۵		
آماره نسبت درستی: ۱۰.۸۸۵۱۱		سطح معناداری نسبت درستی: ۰.۰۴۳۷۰۹		
ضریب تعیین مک فادن: ۰.۲۱۵۳۴۵		معناداری آماره هاسمر-لمشو: ۰.۸۶۰۵		

نتایج فرضیه اول

نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی تحقیق نشان داد که سطح معناداری برای ضریب رگرسیونی این متغیر بزرگتر از خطای ۰,۰۵ بدست آمد و می توان ادعا نمود که تعداد اعضای هیات مدیره تاثیر معناداری بر روی گزارشگری مالی متقلبانه شرکت ها نداشته است. بنابراین فرضیه اول تحقیق در سطح خطای ۰,۰۵ رد شد. اگرچه انتظار محققان بر آن بود که با افزایش تعداد اعضای هیات مدیره و توزیع بیشتر منافع شرکت در بین مدیران و در نتیجه، نظام نظارتی قوی تر بر عملکرد شرکت، امکان تقلب در گزارشات مالی کاهش یابد، اما نتایج دال بر وجود این رابطه نبود. این در حالی است که نتایج تحقیق عبدالحمیدی و اوهوسو (۲۰۰۰) ترکیب هیات مدیره را بر تقلب در گزارشگری مالی معنادار یافته اند. از این رو یافته های این فرضیه با نتایج تحقیق مذکور ناهمسو می باشد.

نتایج فرضیه دوم

نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی تحقیق نشان داد که سطح معناداری برای ضریب رگرسیونی این متغیر کوچکتر از خطای ۰,۰۵ بدست آمد و می توان ادعا نمود که تعداد اعضای غیرموظف (مستقل) هیات مدیره تاثیر معناداری بر روی گزارشگری مالی متقلبانه شرکت ها داشته است. همچنین با استناد به ضریب تاثیر ۰,۸۱۲۹۰۶- این متغیر در مدل تحقیق می توان ادعا نمود که استقلال هیات مدیره دارای تاثیر معکوس بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه می باشد. از این رو می توان انتظار داشت که با افزایش تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره و تقویت نظارت و کنترل خارجی بر اعضای هیات مدیره از احتمال گزارشگری مالی متقلبانه کاسته شود. بنابراین فرضیه دوم تحقیق تایید گردید. به عبارت دیگر می توان انتظار داشت که گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های با نسبت های بالاتر اعضای غیرموظف کمتر رخ دهد.

نتایج فرضیه سوم

نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی تحقیق نشان داد که سطح معناداری برای ضریب رگرسیونی این متغیر کوچکتر از خطای $0,05$ بدست آمد و می توان ادعا نمود که اندازه کمیته حسابرسی تاثیر معناداری بر روی گزارشگری مالی متقلبانه شرکت ها دارد. همچنین با استناد به ضریب تاثیر $0,153657$ - این متغیر در مدل تحقیق می توان ادعا نمود که اندازه کمیته حسابرسی دارای تاثیر معکوس بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه می باشد. از این رو می توان انتظار داشت که با افزایش اندازه کمیته حسابرسی از احتمال گزارشگری مالی متقلبانه کاسته شود. بنابراین فرضیه سوم تحقیق تایید گردید. به عبارت دیگر می توان انتظار داشت که گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های با تعداد اعضای بیشتر کمیته حسابرسی کمتر رخ دهد. یافته های این فرضیه با نتایج تحقیق ابوت و دیگران (۲۰۱۴) همسو می باشد.

نتایج فرضیه چهارم

نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی تحقیق نشان داد که سطح معناداری برای ضریب رگرسیونی این متغیر کوچکتر از خطای $0,05$ بدست آمد و می توان ادعا نمود که استقلال کمیته حسابرسی تاثیر معناداری بر روی گزارشگری مالی متقلبانه شرکت ها دارد. همچنین با استناد به ضریب تاثیر $0,540032$ - این متغیر در مدل تحقیق می توان ادعا نمود که استقلال کمیته حسابرسی دارای تاثیر معکوس بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه می باشد. از این رو می توان انتظار داشت که با افزایش نسبت اعضای غیرموظف در کمیته حسابرسی از احتمال گزارشگری مالی متقلبانه کاسته شود. بنابراین فرضیه چهارم تحقیق تایید گردید. به عبارت دیگر می توان انتظار داشت که گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های با تعداد اعضای مستقل بیشتر کمیته حسابرسی کمتر رخ دهد. یافته های این فرضیه با نتایج تحقیق ابوت و دیگران (۲۰۱۴) همسو می باشد.

نتایج فرضیه پنجم

نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی تحقیق نشان داد که سطح معناداری برای ضریب رگرسیونی این متغیر کوچکتر از خطای $0,05$ بدست آمد و می توان ادعا نمود که عملکرد واحد حسابرسی داخلی تاثیر معناداری بر روی گزارشگری مالی متقلبانه شرکت ها دارد. همچنین با استناد به ضریب تاثیر $0,345239$ - این متغیر در مدل تحقیق می توان ادعا نمود که عملکرد واحد حسابرسی داخلی دارای تاثیر معکوس بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه می باشد. از این رو می توان انتظار داشت که با افزایش کنترل کمیته حسابرسی بر عملکرد مدیر واحد حسابرسی داخلی شرکت، از احتمال گزارشگری مالی متقلبانه کاسته شود، بنابراین فرضیه پنجم تحقیق تایید گردید. به عبارت دیگر می توان انتظار داشت که گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت هایی که نظارت کمیته حسابرسی بر واحد حسابرسی داخلی صورت می گیرد، کمتر رخ دهد. یافته های این فرضیه با نتایج تحقیق ابوت و دیگران (۲۰۱۴) همسو می باشد.

فهرست منابع

۱. بادآور نهندی، یونس و احمدلو، حمزه. (۱۳۹۴). "مکانیزم حاکمیت شرکتی و اعتبار سودهای گزارش شده"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۳۱، ص ۶۷ تا ۵۰
۲. بدری، احمد. (۱۳۸۷). "مبانی و ضرورت حاکمیت شرکتی". مجموعه مقالات حاکمیت شرکتی، تهران: **نشر بورس اوراق بهادار تهران**. (مدیریت آموزش)
۳. (۱۳۹۴). "تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی و مالی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". **تحقیقات مالی**، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۳۸، ص ۳۹ تا ۵۸
۴. قنبری، فرحناز. (۱۳۸۵). "بررسی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء
۵. حکمت، سمیه. (۱۳۹۲). "بررسی رابطه اختلاف رشد درآمد (معیار مالی) و رشد تعداد کارکنان (معیار غیرمالی) با گزارشگری مالی متقلبانه". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی
۶. حیدرپور، فرزانه و طاهروردی، مجید. (۱۳۹۴). "تأثیر مدیریت سود بر رابطه با حاکمیت شرکتی و کیفیت سود". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران شماره ۱۵ ص ۵۷ تا ۴۴.
۷. سنجابی، آرش، (۱۳۸۴)، "شناسایی عوامل مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت‌های مالی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
۸. شیخ، محمدجواد. (۱۳۸۴). "بررسی اهمیت شاخصهای تقلب بالقوه مالی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی در شرکت‌های ایرانی". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
۹. عرب مازار، علی اکبر. (۱۳۹۴). "الماس تقلب و مسئولیت مدیران و حسابرسان در قبال پیشگیری از تقلب". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، سال سوم، شماره ۱۲ ص ۱۷ تا ۴.
۱۰. فرقاندوست‌حقیقی، برواری، فرید. (۱۳۹۱). "بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت‌های مالی (تقلب مدیریت)", **فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری**، انجمن حسابداری ایران، شماره شانزدهم

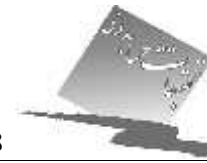
۱۱. کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی. (۱۳۸۸). **استانداردهای حسابرسی**، چاپ دهم، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.
۱۲. مهرانی، کاوه و رضا حصارزاده. (۱۳۸۸). "کیفیت حسابداری و سطح انباشت وجوه نقد"، **فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران**، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۰۵ تا ۱۲
۱۳. وحیدی الیزه‌ای، ابراهیم و حدادیان، حامد. (۱۳۸۴)، "برداشت حسابرسان ایران از کارایی علایم خطر در کشف گزارشگری مالی متقلبانه"، **فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره سوم
۱۴. یحیی پور، سیدرحمان. (۱۳۹۲). "بررسی نقش حاکمیت شرکتی و شناسایی عوامل موثر بر اثربخشی هیئت مدیره (مطالعه موردی در شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا)). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
15. Abbot, J. L., Park, Y. and Parker, S. (2014), "The effects of audit committee activity and independence on corporate fraud", **Managerial Finance**, Vol. 26 No. 11, pp. 55-67
16. Cadbury, A., (1992). *The financial aspects of corporate governance*. London Gee.
17. Davidu, L. Paige & Wilkins, Michael S. (2014). "The Information Content of Withdrawn Audit Qualifications: New Evidence on the Value of "Subject-To" Opinions" **Auditing: A Journal of Practice & Theory**. Vol. 10 No. 2, pp. 62-69.
18. Dhaliwal, D., Salamon, G. and Smith, E. (1982), "The effect of owner versus management control on the choice of accounting methods", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 4, pp. 41-53.
19. Kapardis, E. F. (2002). "The communicative effectiveness of consistency exceptions" **Accounting Review**. Vol. 47 No. 1, pp. 38-51.
20. Summers, S.L. and Sweeney, J.T. (1998), "Fraudulently misstated financial statements and insider trading: an empirical analysis", **The Accounting Review**, Vol. 73 No. 1, pp. 131-46.

سایت رسمی www.iaaaar.com

تلفکس ۴۴۸۴۴۷۰۵ – ۴۴۸۴۴۹۷۵

پست الکترونیک iranianaa@yahoo.com

سایت انجمن حسابداری ایران www.iranianaa.com



The Relationship between Corporate Governance Mechanisms and the Likelihood of Fraudulent Financial Reporting

Mohammadreza Mehrabanpour (PhD)¹©

Assistant professor of Accounting, University of Tehran, Iran

Zohreh Noorizadeh²

Master of Finance, Parandak Institute of Higher Education, Iran

(Received: 20 June 2016; Accepted: 2 January 2017)

The aim of conducting this study is to examine the relationship between corporate governance mechanisms and possibility of fraudulently financial reporting by companies. This study is conducted by using a descriptive – correlation method and is an applied study. Population of this study is consisted of all companies listed on Tehran Stock Exchange during the time period of 2009 to 2015 and 114 companies have been studied in stock market during the time period of this study and have been. Research data were extracted from financial statements of companies and was analyzed by using logistic regression model by using panel data method. Research findings indicated that the number of board's members doesn't have a significant effect on possibility of fraudulent financial reporting; while, the role of each of corporate indicators of ratio of independent board's members, size of audit committee, independence of audit committee and performance of internal audit unit was found to be significant in possibility of fraudulent financial reporting. According to research findings, each of the indicators of independence of board's members, size of audit commitment and performance of internal audit unit have a reverse and independence of audit committee has a reverse effect on possibility of fraudulent financial reports.

Keywords: Internal Control, Board of Directors, Corporate Governance, Fraudulent Financial Reporting.

¹ mehrabanpour@ut.ac.ir ©(Corresponding Author)

² z_noori64@yahoo.com